

بررسی تاثیر سطح اقتصادی منطقه بر مکانیابی مراکز نگهداری از کودکان بی سرپرست و اثر گذاری آن بر مهارت اجتماعی کودکان

رخساره تقوی^۱، مجیر جلیلیان^{۲*}

۱- گروه معماری، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (rokhsarehtaghavi@yahoo.com)

۲- گروه معماری، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (j.m_persian9170@yahoo.com)

چکیده

کودکان بی سرپرست به دلیل محرومیت از محبت خانواده و دوستان دارای مشکلات فراوانی هستند و محیط پرورشگاه به عنوان خانه ای که در آن سکنی گزیده اند، تنها همراه همیشگی آنان محسوب می گردد. تأثیر محیط زندگی بر ذهن و روان کودکان، از مهم ترین مسائلی است که توجه محققان را به خود جلب کرده است. به خصوص با افزایش شهرها و صنعتی شدن جهان این محیط ها و ویژگی هایشان بیش از پیش مورد توجه روانشناسان به عنوان عاملی مؤثر در جهت شکل گیری شخصیت کودک و افزایش سلامت جسمی و روحی او قرار گرفته است. با توجه به موقعیت متفاوت کودکان بی سرپرست و نحوه تعامل آنها با سایر افراد و گروههای اجتماعی، امنیت این کودکان و عوامل مؤثر بر آن متفاوت است. شناخت عوامل مؤثر بر افزایش حس امنیت و با عوامل تهدید کننده آن، به چگونگی کیفیت محیط کالبدی و فضای زیست و معیارهای محیط مطلوب برای این کودکان بستگی دارد. در ذهن یک کودک بی سرپرست که همواره نیاز به یک پناه را احساس می کند، بودن در محیطی که بطور دائم احساس تشویش، نگرانی و اضطراب و ترس همیشگی را داشته باشد، ضعف در شخصیت را به دنبال خواهد داشت. بنابراین با در نظر گرفتن تمامی این جنبه ها، این محیطها باید دارای ویژگیهایی باشند تا این کودکان بتوانند حضوری موفق در جامعه و آینده داشته باشند. هدف این تحقیق، که به روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از تحقیقات میدانی و مطالعات کتابخانه ای است، بررسی نقش مکانیابی محل زندگی این کودکان و تأثیر محیط زیستی این کودکان بر چگونگی تعاملات و رفتار اجتماعی آنان با دیگر افراد جامعه می باشد. بخش نهایی این مقاله نشان می دهد که مکان هایی که به لحاظ اقتصادی در وضعیت پایینی هستند مکان مناسبی برای پرورش کودکان نمی باشد.

واژه های کلیدی: کودکان بی سرپرست، مهارت اجتماعی، مکانیابی، محیط زیست، شهر

۱- مقدمه

فعالیت های انسان در محیط نظام پیچیده ای را تشکیل می دهد که وجوه مختلفی داشته و رویکردهای نظری مختلفی بدان پرداخته اند. این رویکردها در محور قرار دادن مفهومی کلی یعنی کیفیت زندگی در محیط انسان ساخت مشترکند و این امر ضرورت پرداختن به قابلیت های محیط انسان ساخت را آشکار می نماید. امکان برقراری تعاملات جمعی مطلوب در سطوح مختلف خانواده و جمعی در محیط انسان ساخت از یک سو و امکان ادراک طبیعت و عناصر طبیعی از سوی دیگر بر دو جنبه از کیفیات محیط انسان ساخت دلالت دارند. علاقه به طبیعت و میل به نزدیک شدن به عناصر طبیعی و زنده احساس هایی است که به طور وسیعی کاربران محیط های ساخته شده را در بر دارد و این امر بر کیفیت زندگی در مکان های فعالیت مؤثر است [۱].